

بررسی موارد نقض حقوق بشر در دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق

معصومه حاجی مطلبی*

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه سمنان.

نام نویسنده مسئول:

معصومه حاجی مطلبی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

چکیده

با شروع جنگ جهانی اول که با نابودی میلیون ها انسان توأم بود و متعاقب آن جنگ جهانی دوم که از سیاه ترین دوران زندگی بشر محسوب می شوند مردم آزاده جهان خصوصا اندیشمندان و متفکران جوامع انسانی برای زدودن دردها و رنج های ایجاد شده و مقابله با اضطراب و استرس جنگ های خانمان برانداز گرد هم آمده در مجامع جهانی و بین المللی به همفکری نشستند و برای جلوگیری از تکرار این مصائب با تدوین مقررات و میثاق های بین المللی در زمینه حقوق بشر حداقل های ممکن برای تضمین امنیت، آزادی و کرامت بشری را تعیین نمودند تا چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ به این حداقل ها توجه شده و توسط دولت ها و حکمرانان پاس داشته شوند. از آنجایی که به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق یکسان و سلب ناپذیر همه اعضای خانواده بشری اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است... جمله آغازین سند بیانیه جهانی حقوق بشر: تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از کرامت و حقوق یکسانی برخوردارند. (بند ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد) آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد اهمیت به سزای حقوق بشر و موارد نقض آن در دادگاه کیفری بین المللی می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، جرایم علیه بشریت، نقض حقوق بشر، دادگاه های کیفری بین المللی.

مقدمه

تعریف حقوق بشر^۱

با توجه به مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر خصوصا اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ می توان گفت که حقوق بشر عبارت است از: ((مجموعه قواعد، مقررات و اصولی است که به منظور شناسایی حیثیت و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای حقوق بشر بر مبنای آزادی_عدالت و صلح در جهان به رسمیت شناخته شده است)).
تفضیل این حقوق، در اسناد بین المللی فراوانی آمده که مهم ترین آن ها عبارتند از:
۱- آزادی تمام افراد بشر از بدو تولد و برابری از لحاظ حیثیت و حقوق بر مبنای عقل، وجدان و با توجه به روح برادری.
۲- بهره مندی از تمام حقوق و آزادی ها بدون توجه به نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده، ملیت، وضع اجتماعی، ثروت یا هر موقعیت دیگر.

۳- حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت برده داری و شکنجه

۴- حق بهره مندی از دادرسی عادلانه و رجوع به محاکم صالح ملی

۵- حق داشتن تابعیت و اخذ پناهندگی

۶- برابری زن و مرد و ضرورت تحکیم مبانی خانواده و رعایت حقوق کودکان

۷- آزادی فکر، وجدان و مذهب و حق استراحت، تفریح، کار آزادانه و آموزش و پرورش

۸- قانونی بودن جرم و مجازات و اصل برائت و ممنوعیت توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه

۹- حق مشارکت در اداره امور عمومی کشور خواه مستقیما و خواه با وساطت نمایندگان منتخب

۱۰- حق آزادی بیان و عقیده و ابراز آن ها^۴

مصادیق جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشر

جنایت علیه بشریت، به موجب بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، تنها مشتمل بر آن دسته از جنایات فهرست شده است که ((به عنوان بخشی از حمله ای گسترده و نظام مند با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیر نظامی) ارتکاب می یابند. این عناصر در کنار یکدیگر، شرایط تحقق این جنایت را تشکیل می دهند. از مصادیق جنایت علیه بشریت می توان به کشتار، برده سازی، کار اجباری، قاچاق اشخاص، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت اشاره نمود. اما نقض حقوق بشر زمانی به وقوع می پیوندد که اقداماتی از سوی نهادهای کشوری یا غیر کشوری حقوق ابتدایی بشر از جمله حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد سوءاستفاده، بی توجهی یا انکار قرار دهند. به علاوه نقض حقوق بشر می تواند زمانی رخ دهد که نهادهای کشوری یا غیر کشوری از معاهده UDHR یا دیگر حقوق بشر بین المللی یا قوانین بشردوستانه را نقض کند. تعرضات جنگی، جنایات جنگی و جرائم علیه بشریت از جمله نسل کشی نقض قانون بین المللی بشردوستانه بوده و یکی از جدی ترین مصادیق نقض حقوق بشر به شمار می آیند. بنابراین جنایت علیه بشریت یکی از مصادیق نقض حقوق بشر می باشد. از دیگر موارد جنایت علیه بشریت می توان به رای گوران یلسیج (آدولف صربستان) و اسلوبودان میلوشویچ (قصاب بوسنی) در دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق اشاره نمود.

¹ -Human rights

² Universal Declaration of Human Rights

³ International Covenant on Civil and Political Rights

⁴ محقق داماد، دکتر سید مصطفی، حقوق بشر دوستانه بین المللی رهیافت اسلامی، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۰

مصادیق اصل صلاحیت جهانی

نقطه شروع مناسب برای شناسایی جرائمی که به موجب حقوق بین الملل در حوزه صلاحیت جهانی قرار می گیرند مطالعاتی است که کمیسیون حقوق بین الملل انجام داده است. کمیسیون مزبور درپیش نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشر که در سال ۱۹۹۶ تدوین نمود پیشنهاد کرده است که نسل کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم علیه سازمان ملل و کارکنان آن و جرائم جنگی در حوزه صلاحیت جهانی قرار گیرند. به موجب این پیش نویس هریک از دولت های عضو باید هرکسی را که در قلمرو اوست و به یکی از جرائم مذکور متهم است به منظور محاکمه مسترد نماید. پیش نویس مزبور تعریفی از نسل کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی ارائه ننموده است. اخیرا این مفاهیم به نحو دقیقی در مواد ۶ تا ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تعریف شده است. البته باید توجه داشت هدف از مقررات مواد مذکور تنها ارائه تعریف از جرائمی است که در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی قرار می گیرند اما این فرضی منطقی است که تعاریف مذکور در اساسنامه همانگونه که نویسنده ای گفته است ((مولود مشروع و مقبول و معتبر حقوق بشردوستانه بین المللی عرفی و حقوق کیفری است و بنابراین ممکن است به عنوان الگویی از سوی قوانین ملی کشورها به موجب اصل صلاحیت جهانی مورد تبعیت قرار گیرد.)) علاوه بر این جرائم، شکنجه نیز اگرچه به عنوان جرم علیه بشریت احصا نگردیده اما به موجب کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه در حوزه صلاحیت جهانی قرار می گیرد. یکی از مصادیق اصل صلاحیت جهانی می توان به دزدی دریایی (Piracy) اشاره نمود که این مورد یکی از فعالیت های مختلفی است که باعث تضعیف امنیت دریایی می شود. بنابراین دزدی دریایی در مورد بحث امنیتی است و از موارد نقض حقوق بشر محسوب نمی شود.

رابطه صلاحیت جهانی^۵ با دادگاه های کیفری بین المللی

صلاحیت دادگاه کیفری یوگسلاوی و دادگاه کیفری رواندا مقدم بر صلاحیت محاکم داخلی است. به این معنا که ((دادگاه بین المللی می تواند در هر مرحله از رسیدگی رسماً از دادگاه های ملی بخواهد که رسیدگی به موضوع را به دادگاه بین المللی واگذار نمایند)). البته مواردی پیش آمده است که دادگاه های داخلی از قبول تقدم صلاحیت دادگاه بین المللی یوگسلاوی امتناع نموده اند. در مقابل، بسیاری از دادگاه های خارج از قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا که صلاحیت جهانی را پذیرفته اند تقدم صلاحیت دادگاه های بین المللی مذکور را پذیرفته اند. اما رابطه بین دادگاه های داخلی و دیوان کیفری بین المللی متفاوت است. دیوان کیفری بین المللی برخلاف دادگاه های داخلی به خودی خود صلاحیت جهانی ندارد. در غیر صورتی که شورای امنیت وضعیتی را به دیوان کیفری بین المللی برای رسیدگی ارجاع نماید، دیوان مزبور تنها در شرایطی می تواند برای رسیدگی به جرم اعمال صلاحیت نماید که جرم در قلمرو دولتی که عضو اساسنامه است اتفاق افتاده باشد یا اینکه متهم تبعه یکی از دولت های عضو اساسنامه باشد. بنابراین دیوان کیفری بین المللی باید صلاحیت خود را براساس اصل سرزمین یا اصل تابعیت متهم اعمال نماید. این موضوع خلا بزرگی را برجای خواهد نهاد که تنها از طریق اعمال صلاحیت جهانی از سوی دادگاه های داخلی می تواند پر شود

جرایم علیه حقوق بشر

جرم انگاری در حقوق ایران

منظور از جرایم داخلی یعنی آن دسته از جرایمی که نقض حقوق بشر تلقی می شوند و در قوانین داخلی کشورها جرم انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده است و در واقع حقوق بشر مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی ضمانت اجرای کیفری داخلی به آن داده شده است.

⁵Universal Jurisdiction

مقررات و معاهدات بین المللی در زمینه جرم انگاری جرایم علیه حقوق بشر در اکثر جنبه اعلامی دارند و به حقوق داخلی کشورها ارجاع داده شده اند تا دولت ها براساس مقررات داخلی خود ضمانت اجرای کیفری مناسب را پیش بینی نمایند. قوانین و مقررات داخلی کشور ایران مملو از این دسته از مقررات است که به عنوان نمونه به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- ممنوعیت بازداشت خودسرانه^۶: مطابق ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی ((هرگاه مقامات قضایی یا دیگر ماموران ذی صلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار محکومیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.))

۲- ممنوعیت شکنجه^۷: مطابق اصل ۳۸ قانون اساسی ((هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگند فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می شود)) و ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی شکنجه برای اخذ اقرار را جرم تلقی نموده و علاوه بر قصاص یا دیه حسب مورد، شش ماه تا سه سال حبس برای مرتکب آن و دستوردهنده آن در نظر گرفته است.

۳- ممنوعیت استراق سمع و کشف مکالمات تلفنی و مراسلات پستی و مخابراتی^۸: مطابق ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی این اعمال نیز جرم بوده و مرتکب به حبس از یک سال تا سه سال و جزای نقدی محکوم خواهد شد.

۴- ممنوعیت هتک حرمت اشخاص^۹: به موجب مواد ۵۱۶، ۵۱۷، ۶۰۸ هرگونه سوء قصد اهانت، هتاک و فحاشی نسبت به اشخاص ممنوع و جرم قلمداد شده برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

البته کمیسیون سابق حقوق بشر و شورای فعلی حقوق بشر سازمان ملل متحد براساس برخی گزارشات واصله از ناحیه کشورها و نماینده ویژه کمیسیون در مقاطع مختلف ایران را به دلیل نقض حقوق بشر محکوم کرده است و اخیرا نیز در کمیته سوم مجمع عمومی نیز قطعنامه ای به همین عنوان علیه ایران صادر شده که بیشتر به مقررات شرعی مندرج در قوانین ایران اشاره دارد.

جرم انگاری در حقوق بین المللی

منظور از جرایم بین المللی علیه بشریت، آن دسته از جرایم هستند که در اسناد بین المللی و معاهدات مختلف مورد اشاره قرار گرفته اند که اهم آن ها عبارتند از:

۱- ممنوعیت برده گیری و برده داری^{۱۰}: به موجب قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی که ایران هم در سال ۱۳۳۷ به آن ملحق شد، بردگی به معنی حال و وضع کسی است که اختیارات ناشی از حق مالکیت کلا یا جزئا نسبت به او اعمال شود و برده حال یا وضع کسی است که در چنین حال یا وضعی باشد به موجب این معاهده هرگونه تجارت یا حمل و نقل برده یا هر وسیله ای ممنوع اعلام شده است.

۲- ممنوعیت کار اجباری^{۱۱}: به موجب مقاله نامه شماره ۲۹ و ۱۰۵ سازمان بین المللی کار مصوب ۱۹۵۷ کار اجباری لغو گردید و چنین تصویب شده است: کار قهری یا اجباری به کار یا خدماتی اطلاق می شود که با تهدید به مجازات و بی آنکه شخص ذی نفع به میل و رضای خاطر برای انجام آن داوطلب باشد به وی تحمیل می گردد. البته خدمت نظام وظیفه و هرگونه کار و خدمت در نتیجه محکومیت در دادگاه های صالح و کار به حکم فورس ماژور مانند جنگ و سیل و مانند آن استثنا شده است.

⁶ Prohibition of arbitrary detention

⁷ Prohibition of Torture

⁸ Prohibition of eavesdropping

⁹ Prohibition of insulting individuals

¹⁰ Prohibition of Slavery and Slavery

¹¹ Prohibition of Forced Labor

۳- منع کشتار جمعی یا ژنوسید^{۱۲}: مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ قرارداد بین المللی جلوگیری از کشتار جمعی را تصویب نمود که دولت ایران نیز به آن ملحق گردید و در سال ۱۳۳۴ با تصویب مجلس، جنبه قانونی یافت. به موجب این معاهده کشتار جمعی منع گردیده و مرتکبین کشتار جمعی مجرم عادی (نه سیاسی) محسوب می گردند و نه تنها ارتکاب ژنوسید قابل مجازات است بلکه شرکت در جرم و شروع به ارتکاب و تبانی و تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب ژنوسید نیز قابل مجازات است و اشخاص بزهکار به دادگاه های صالح کشوری که جرم در آن جا ارتکاب یافته و یا به دادگاه کیفری بین المللی که طرف های متعاقد صلاحیت آن را شناخته باشند، جلب خواهند شد.

۴- منع تبعیض نژادی (آپارتاید)^{۱۳}: قرارداد بین المللی، رفع هرگونه تبعیض نژادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. در ماده اول این کنوانسیون هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت یا رجحان بر اساس نژاد و رنگ و یا منشا ملی و قومی مردود اعلام شده است. به موجب این قرارداد دولت های متعاقد باید نشر هر نوع افکار مبتنی بر نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی را قانونا از جرایم قابل مجازات اعلام نمایند. در اجرای این کنوانسیون دولت ایران در سال ۱۳۵۶ قانون مجازات تبعیض نژادی را به تصویب مجلس رساند و حبس جنحه ای تا ۶ ماه و جزای نقدی را برای مرتکب نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض نژادی و هر نوع مساعدت به فعالیت های تبعیض نژادی در نظر گرفت.

کنوانسیون بین المللی منع مجازات آپارتاید مصوب سی ام نوامبر ۱۹۷۳ که ایران در سال ۱۳۶۳ آن را به تصویب مجلس رساند نیز آپارتاید را به عنوان جنایت تعریف کرده است و از کشورهای طرف کنوانسیون خواسته است تا با تصویب قوانین و اتخاذ تدابیر فردی به اشخاص و گروه هایی که مرتکب جنایت آپارتاید می شوند را محاکمه و مجازات کنند.

۵- رفع تبعیض علیه زنان^{۱۴}: در ماده یک این کنوانسیون تبعیض علیه زنان به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، محدودیت بر اساس جنسیت است که با به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی های اساسی آن ها و بهره مندی و اعمال حقوق آن ها بر پایه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعیت تاهل آن ها در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه ها اثر مخرب دارد یا اصولا هدف از بین بردن این وضعیت است. در ماده ۶ دولت ها را مکلف کرده که هر نوع اقدام مقتضی برای ممنوع اعلام کردن معامله بر روی زنان و بهره برداری از فحش های آنان اقدام نموده و به وضع قانون دست بزنند. خیلی از کشورها از جمله ایران هنوز به این کنوانسیون نپیوسته اند.

دادگاه های کیفری بین المللی

دادگاه های کیفری بین المللی خاص وموقتی

این دادگاه ها پس از جنگ های بین المللی و یا منازعات بین المللی که تهدیدی بر علیه صلح و امنیت جهانی محسوب می شده اند تشکیل شده و به جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت رسیدگی نموده اند که عبارتند از:

محکمه نورنبرگ^{۱۵}

این محکمه، مجرمان اصلی در جبهه اروپا را محاکمه می کرد و از هشت عضو تشکیل می شد، یعنی هریک از چهار کشور آمریکا، انگلستان، فرانسه و شوروی یک عضو اصلی و یک عضو علی البدل معرفی کرده و کیفرخواست ها نیز توسط کمیته ای که از وکلای چهار کشور تشکیل می شد صادر می گشت.

¹² Prohibition of mass destruction (Genocide)

¹³ Prohibition of racial discrimination (Apartheid)

¹⁴ Elimination of discrimination against women

¹⁵ Nuremberg Tribunal

محکمه توکیو^{۱۶}

این محکمه ناشی از منشور توکیو بود که پیوست اعلامیه ژنرال مک آرتور بود و به مجرمان اصلی جنگ می پرداخت. در ۲۹ آوریل ۱۹۴۶ کیفرخواستی علیه ۲۸ ژاپنی صادر شده که ۵۵ فقره اتهام را دربرداشت که فقرات ۵۳الی ۵۵ راجع به سایر جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت بود.

محاکم شورای کنترل متفقین^{۱۷}

با توجه به اینکه کشور آلمان توسط متفقین اشغال شده بود آن ها شورای کنترلی را برای اداره امور آزاد کشور تشکیل داده بودند و مطابق قانون دهم این شورا مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ محاکمه نظامی از سوی متفقین محاکمه جنایتکاران جنگی تشکیل می شد.

محاکم یوگسلاوی سابق و روند^{۱۸}

اساسنامه این دو محکمه در سال های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شدند تا به جرایم ارتکاب یافته در یوگسلاوی سابق و رواندا رسیدگی نمایند.

در اساسنامه این دو دادگاه به جرایم علیه بشریت اشاره شده است و این دو دادگاه چون همانند دادگاه های قبلی توسط دولت های پیروز در جنگ تشکیل نشده بودند به عنوان دقیق تری محکمه بین المللی محسوب می شدند که با توجه به اهمیت موضوع، مختصری از سرگذشت دادگاه یوگسلاوی سابق ذکر می شود:

جرایم علیه بشریت در یوگسلاوی سابق:

پس از فروپاشی شوروی سابق و فعالیت های آزادی بخش در کشورهای بلوک شرق از جمله در یوگسلاوی سابق و استقلال کرواسی در سال ۱۹۹۱ و بوسنی هرزگوین در سال ۱۹۹۲ جنگ بین گروه های مختلف آغاز شده و صرب های بوسنی و کرواسی به کمک ارتش صربستان و مونته نگرو برای جدا کردن قسمت های صرب نشین در دو دولت مستقل جدید و اقدام به تشکیل صربستان بزرگ تهاجم وسیعی را شروع کردند. در تابستان ۱۹۹۲ یعنی چند ماه پس از آغاز جنگ اولین گزارشات در مورد جرایم علیه بشریت مخصوصا جرایم جنسی توسط صرب ها علیه سایرین به ویژه مسلمانان گزارش شد. در اکتبر سال ۱۹۹۲ به دنبال انتشار گسترده اخبار راجع به جنگ بوسنی هرزگوین، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۷۸۰ را صادر و اقدام به تشکیل کمیسیون خبرگان نمود تا به بررسی موارد نقض کنوانسیون های ژنو و نیز نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی در بوسنی بپردازد. کمیسیون خبرگان نهایتا منجر به تشکیل دادگاه کیفری بین المللی برای محاکمه مجرمین جنگی در یوگسلاوی سابق به موجب قطعنامه شماره ۸۸ شورای امنیت گردید. این قطعنامه به شورای امنیت تسلیم شد و اساسنامه دادگاه به اتفاق آرا مورد تصویب شورای امنیت قرار گرفت.

دیوان کیفری بین المللی^{۱۹}

اساسنامه تاسیس دیوان کیفری بین المللی را در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۷۷ به تایید اکثریت دولت های شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم که ۱۶۰ کشور جهان گرد هم آمده بودند، برسانند اساسنامه دیوان شامل ۱۲۸ ماده است، تاکنون ۱۳۹ دولت جهان و از جمله ایران اساسنامه را امضا نموده اند. اکنون ۹۹ کشور که ایران از جمله آن ها نیست، اساسنامه را تصویب نموده اند. در ماده ۱ اساسنامه تصریح شده که دیوان کیفری بین المللی مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود بدین معنا در صورتی که دادگاه های ملی صلاحیت دار قادر یا مایل به رسیدگی به جرایم موضوع اساسنامه نباشند دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی به آن جرایم را دارد. به موجب ماده ۵ اساسنامه دیوان نسبت به رسیدگی به ۴ جرم صلاحیت خواهد داشت:

۱- نسل کشی (کشتار جمعی)، ۲- جرایم علیه بشریت، ۳- جرایم جنگی، ۴- تجاوز

¹⁶ Tokyo Court

¹⁷ Allied Control Council Court

¹⁸ Former Yugoslavia and Rwanda Tribunal

¹⁹ International Criminal Court (ICC)

به موجب بند ۱ ماده ۷ اساسنامه^{۲۰} جنایت ضد بشریت منظور در این اساسنامه شامل هریک از اعمال مشروح ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته برضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می گردد.

الف-قتل عمدی؛

ب-ریشه کن کردن؛

ج-به بردگی گرفتن؛

د-تبعید یا کوچ اجباری جمعیت؛

ه-حبس یا محرومیت شدید دیگر از آزادی جسمانی یا نقض قواعد اساسی حقوق بین الملل؛

و-شکنجه؛

ز-تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر از خشونت جنسی با شدت مشابه؛

ح-تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه ی مشخص به جهات سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی یا جهات دیگری که در سراسر جهان به موجب حقوق بین الملل غیرمجاز شناخته شده است در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این پاراگراف یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان؛

ط-ناپدید کردن اجباری اشخاص؛

ی-جنایت تبعیض نژادی؛

ک-اعمال غیر انسانی دیگر با خصوصیات مشابه که عمدا موجب رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی شود.

که به موجب بند ۲ ماده ۷ اساسنامه، منظور از تعبیرات به کار رفته در بند ۱ به تفصیل شرح داده شده است. صلاحیت دیوان بین المللی کیفری جنبه تکمیلی داشته و صرفا نسبت به جرایم اشخاص حقیقی رسیدگی می نماید که با توجه به دایمی بودن دیوان نسبت به دادگاه های بین المللی دیگر (یوگسلاوی سابق و رواندا) چند قدم به جلو برای تحقیق تضمین کیفری قواعد حقوق بشری محسوب می شود و هرچند نپیوستن برخی از کشورها به اساسنامه دیوان هنوز موقعیت جهان شمولی آن را زیر سوال برده است و در عمل هم هنوز اقدامات شایان توجهی انجام نداده اما به نوبه خود موجب پر کردن یک خلا مهم در عرصه حقوق بین الملل محسوب می شود.

محاکم ملی مسولیت اصلی در تحقیق و تعقیب جنایات بین المللی موضوع صلاحیت ذاتی دیوان را دارا می باشند و در صورت عدم توانایی یا تمایل و یا نبود دستگاه قضایی مستقل و کارآمد دیوان کیفری بین المللی مبادرت به اعمال صلاحیت خواهد نمود. این موضوع در مقدمه ماده ۱ و ماده ۱۷ اساسنامه رم مورد تایید قرار گرفته است بنابراین طبق این اصل، دیوان کیفری بین المللی مکمل محاکم ملی است اما جانشین آن محسوب نمی شود و صرفا تحت شرایطی مبادرت به اعمال صلاحیت خواهد کرد.

نتیجه گیری

جامعه جهانی از دیرباز توجه خود را به رعایت حقوق بشر چه در زمان صلح و چه در هنگام جنگ معطوف نمود و اقدامات و تدابیر مختلفی را برای حفظ و صیانت از این حقوق در نظر گرفته است. جنگ های جهانی و منازعات بین المللی و داخلی که توأم با نقض شدید و فاحش حقوق بشر بوده اند، ضرورت ایجاد یک نهاد کیفری بین المللی را ایجاب می کرد و تشکیل دادگاه کیفری بین المللی پاسخی به این نیاز مهم و ضروری برای جامعه جهانی تلقی می شود. این دادگاه که میراث خوار دادگاه های موقتی و خاص گذشته مانند دادگاه نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق و رواندا می باشد با توجه به اینکه هنوز در ابتدای راه است

۱-محمد نسل، غلامرضا، مجموعه مقررات دیوان بین المللی کیفری، نشر دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۱۵

و خیلی از کشورها هنوز اساسنامه آن را تصویب نکرده اند(مخصوصا امریکا به عنوان یکی از مهم ترین ناقضان حقوق بشر که جنایات گوانتانامو و ابوغریب نمونه های آن هستند و اسرائیل که به هیچ معاهده بین المللی حقوق بشری پای بند نیست) صبر و بردباری بیشتری برای موفقیت آن لازم است. بسیاری از کشورها هنوز بر اصل سرزمینی بودن جرایم پای می کوبند و با اصل صلاحیت جهانی دیوان مشکل دارند، مخصوصا جایی که بایستی تبعه کشور خود را که متهم به یکی از جرایم علیه بشریت می باشد، به دیوان کیفری بین المللی تحویل دهند. علیرغم این ها به نظر می رسد که آینده جهان به سمت یک دست شدن می رود، قواعد کیفری در آینده نزدیک جهانی می شوند. الگوی دادگاه اروپایی حقوق بشر برای سایر نقاط به لحاظ موفقیتی که داشته، کارگشا خواهد بود و روزی فرا خواهد رسید که مجرمین علیه بشریت در هیچ نقطه ای از جهان امنیت نداشته باشند، به امید آن روز.

منابع و مراجع

- [۱] میرمحمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین المللی (مجموعه مقالات)، میزان، ۱۳۷۷.
- [۲] محقق داماد، دکتر سید مصطفی، حقوق بشر دوستانه بین المللی (رهیافت اسلامی)، مرکز نشر اسلامی، ۱۳۸۳.
- [۳] مهر پور، دکتر حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
- [۴] ساکی، محمدرضا، ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، شماره چهل و چهارم و چهل و پنجم، ۱۳۸۷، صص ۱۲۹-۱۰۱.
- [۵] اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرایم سنگین حقوق بشری منو تی. کامینگا مترجم: دکتر محمد جواد شریعت باقری.
- [۶] ارجمند، دکتر اردشیر، مجموعه اسناد بین الملل حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.
- [۷] محمد نسل، غلامرضا، مجموعه مقررات دیوان بین المللی کیفری، نشر دادگستر، ۱۳۸۵.
- [۸] دانیل واریز، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، کنکاشی برای جهانی ساختن، ترجمه: سلاله حبیبی امین، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- [9] Universal Declaration of Human Rights, UN, G.A Res.No217 A(III) on 10 Dec.1948
- [10] Global Instrument
- [11] Conde, H. Victor, A Handbook of International Human Rights Terminology, Santa Barbara C A: ABC-Clio. 2002, second Edition, p.127